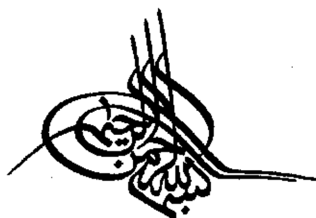
تجوید قرآن

ترجمه هداية المستفيد

مؤلف : محمد المحمود



مترجم : سپهرروز مولودی



تجوید قرآن

ترجمه

هدایة المستفید

تألیف شیخ محمد المحمود

ترجمه سپهروز مولودی

سرشناسه : محمود ، محمد
عنوان و نام پدیدآور:تجوید قرآن ترجمه هدایه المستفید /تألیف محمد المحمود، ترجمه سپهروز
مولودی
مشخصات نشر : ارومیه- حسینی اصل ۱۳۸۸
مشخصات ظاهری : ۵۹ ص
شابک : ۹٦٤-۷۷۸۲-۸۵-۳
وضعیت فهرست نویشی : فیپا
یادداشت : قرآن تجوید - راهنمای آموزشی الف مولودی سپهروز ۱۳۲۰ مترجم
ب عنوان
ترجمه هدایه المستفید
موضوع : احادیث اهل سنت—قرآن١٤
شناسه افزوده : چارمند، عمر ۱۳٤۰،مترجم
رده بندی کنگره : ۱٤۰٤۱ ٥٤۰ ۳۵م /BP۷۹/٦
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۵۱۰۷
شماره کتابشناسی ملی : ۳۷٦۹٤-۸٤ م



ارومیه : خیابان شهید منتظری تلفن ۲۳۵۲٤۰

نام کتاب : تجوید قرآن ترجمه هدایه المستفید
مؤلف : محمد المحمود
مترجم : سپهروز مولودی
سال چاپ : اول ۱۳۸۸
تیراژ : ۳۰۰۰ جلد
ناشر : مؤسسه انتشاراتی حسینی اصل
شابک : ۹٦٤-۷۷۸۲-۸۵-۳
قیمت ۲۰۰۰

فهرست

مقدمه مترجم

(أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا)[1]

چرا در قرآن تفکر و تأمل نمی کنند یا اینکه بردلهایشان قفلهای جهل زده شده است.

ستایش بی حد خداوندی را سزاست که انسان را با بخشش خلعت زیبای خرد و بینش بر سایر مخلوقات مزیت داد و قرآن کبیر را بهاری بر قلبها و نوری بر چشمها و شفائی بر دلها قرار داد.

(لَوْ أَنزَلْنَا هَـذَا الْقُرْآنَ عَلَىَ جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعاً مُتَصَدِّعاً مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ)[2]

«اگر ما این قرآن را بجای دل مردم بر کوه نازل می کردیم مشاهده می کردی که کوه از ترس خدا نرم و متلاشی می گشت و این امثال را برای مردم بیان می کنیم باشد که اهل عقل و تفکر شوند»

درود و تحنیت فراوان بر روان پاک پیامبری باد که (وَمَآ أَرْسَلْنَاكَ إِلاَّ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ)[1] در شأنش فرود آمد و دین اسلام را با برنامه نجات بخش

[1] [سورة: محمد - الأية: ۲۴]

[2] [سورة: الحشر - الأية: ۲۱]

همراهی دستورات و آیات الهی در تشید مبانی زندگی بشری ظاهر ساخت که تعالیم جامع اخلاقی و اجتماعی معجزه آسای آن با طهارت و سنگینی سبب تحریک افکار انسانها گشت و قوانین حکیمانه آن بر پایهٔ آخرین ادراکات بشری استوار گردید و رهبر این نهضت مرد نامی و شهیر قریش بفرمان (وَمَآ أَرْسَلْنَاكَ إِلاَّ كَآفَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيراً وَنَذِيراً وَلَـٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لاَ يَعْلَمُونَ)[2] مخاطب گشت و بحیرای راهب در سفر شام از دیدنش فضا را پر از تسبیح نمود و فرشته وحی می خواست با شق صدر مبارکش مقداری از مخزن کمالات او آگاه گردد:

زاسرار درونش جبرئیل آگه نخواهد شد

زبهر شق صدرش گردمی صد بار میاید

جوانی که در نهایت راستی و امانت و صداقت و استقامت انگشت نمای قوم قریش بود و سلام و درود فراوان نثار ارواح پرفتوح آل و اصحاب او بالاخص سردار بزرگ و نابغه دوران رادمردی که « سلونی قبل ان تفقدونی » بر بیان نغزش جاری و به پیشوای خود مدال افتخار و نشان

---

[1] [سورة: الأنبياء - الأية: ۱۰۷]

[2] [سورة: سبأ - الأية: ۲۸]

سر بلندی را به مسلمین ارزانی و دنیا را بوجود مظهرالعجایب خویش مباهی و مستفیض ساخته است.

و درود و احترام دور از شائبه تقدیم ساحت استادان نیکومنشی باد که در مراکز علمی به ترویج دانش و معرفت اوقات گرانبهای خود را بیدریغ صرف می نمایند علی الخصوص استاد شیخ محمد المحمود مؤلف کتاب هدایة المستفید که به منظور تهذیب و تربیت طلاب و بسط احکام الهی دقایق شیرین زندگی را به تفهیم معظلات مصروف و موجبات تشیید معارف اسلامی را فراهم می سازد.

درود و سلام بی پایان باد دانشمندان و گره گشایان ارجمند را که سرمایه علمی از مخزن معرفت ایشان بوده و حقیر را به نوبه خود اگر بضاعتی بهم رسیده سبب اصلی درک فیض از محضر آن بزرگواران است و آنچه مرا به ترجمه این کتاب واداشت به حقیقت تحریض و تشویق این سروران بود که به امید مطلوب واقع شدن به ترجمه آن پرداخته و از توفیقی که در این راه بدست آوردم گر چه مباهی و مسرورم از جهتی نیز نگران و در تشویش و در هر حال امیدوار و آرزومند خواهم بود.

خرسند بدان سبیم که سعی وافی بحد دانش مزجات و در خور توانائی و رعایت امانت در تهیه مطالب سودمند بعمل آمده است و نگران از آن جهتم که مایه علمی آنچنان نیست تا حق مطلب را شایستهٔ مقام اساتید فن ادا

سازم و اما امیدوارم بدین لحاظم که (لاَ يُكَلِّفُ اللّهُ نَفْساً إِلاَّ وُسْعَهَا)[1] و عنایت خاصه حضرت واهب العطایا جل شأنه شامل حالم و توجهات عالیه استادان پاک نهاد و گرانمایه ام رفیق را هم گشته موجبات ترویج و اشاعه این مختصر که برای اولین مرتبه تنظیم می یابد فراهم و مورد استفاده طلاب عزیز قرار گیرد.

ومن الله التوفیق وعلیه التکلان

ارومیه ۳۰ دیماه ۱۳۶۵ – سپهروز مولودی

---

[1] [سورة: البقرة – الأية: ۲۸۶]

مقدمه مؤلف

خداوند بزرگ را حمد و ثنا و سپاس می گویم که ما را به یاد دادن قرآن کریم مخصوص گردانید و بر حضرت ختمی مرتبت درود و سلام می فرستم که قرآن را از طرف خدای حکیم و علیم دریافت کرد و احسان و نیکی را بر آل و اصحاب و تابعان و پیروان او تا روز قیامت آرزو می کنم که قرآن را با تجوید تلاوت می کردند.

من (ابوریمه)[1] بنده ذلیل و عاجز که به تقصیر خود اعتراف می کنم و از دریای گناهان خود با مشت بر می دارم موقعی که مشغول تعلیم و تربیت و تهذیب اطفال بودم متوجه گردیدم که تجوید قرآن در تلاوت قرآن مجید اهمیت خاصی دارد که باید لفظهای قرآن خوب و نیکو ادا گردد و به

---

[1] ابوریمه یعنی پدر غزال شهرت مؤلف است چون دختری بنام رمیه داشته او را بنام دخترش ابوریمه کنیه داده اند والا اسم مؤلف (السید الشیخ محمد المحمود الشهیر بابی ریمه) بوده که معلم المدرسه التهذیبه فی (حماه) المحیه می بادش.

احکام نون ساکنه و تنوین و میم ساکنه و مد و وقف و مخارج حروف و صفات حروف معرفت حاصل گردد. چون کتب تجوید سخت و رغبت مبتدیان به بهره گیری از آن کتب علمی نیز کم بود و اطفال نمی توانستند از کتب مفصل تجوید بهره برداری نمایند. چون شخص شبکور با برخورد یک مورچه میلغزد و طفل شیرخوار با یک جرعه خفه می شود. این بود که قصد کردم از کتابهای پیشوایان و علماء سلف خوشه هائی بچینم و رساله ای در علم تجوید بر طریقه حفص که یادگیری آن سهل باشد تنظیم نمایم پس این کتاب را بطریق پرسش و پاسخ بعد از استعفاء از معلمی مدرسه ابتدائی و افتتاح مدرسه خصوصی از کتب معتبر و موثق جمع آوری کرده و آنرا «هدایة المستفید (فی) علم التجوید» نام نهادم

این کتاب برای شاگردان مدارس و مبتدیان قرائت قرآن کبیر نوشته شده و امیدوارم که خداوند متعال آنرا متروک و مطرود نگرداند و بهر طالبی که تلفظ خوب قرآن را می خواهد نفع بدهد و همانا خدا بر آنچه می خواهد تواناست و به قبول دعایم شایسته است و از برادران می خواهم که در بعضی اوقات مرا بدعای خیر یاد کنند و از کسانی که غلط و لغزشی در کتاب بر می خوردند استدعا دارم که هر نوع اشتباه را اصلاح و بد را بخوب تبدیل نمایند چون نوع انسان خالی از لهو و نسیان نیست کسیکه در پیش مردمان گرامی و محترم عذر بیاورد قبول است.

از خدای کریم می خواهم و به حرمت پیغمبر بزرگ متوسل می شوم که این رساله را سبب رضامندی خدای تعالی گرداند و وسیله نیل بر نعمت

بهشت برای من باشد و به عموم نفع برساند و کسانی که دل سالم و دور از کینه دارند آنرا دریافت و مطالعه نمایند.

آرزو می کنم این رساله روزی بمن نفع بدهد که در آن روز نه مال و نه فرزند به انسان نفع نمی دهد مگر کسی که برگردد بسوی خدا با قلب سالم و پر از ایمان و خدا برای ما کافی است و وکیل خوبی است

ولاحول وال قوة الا بالله العلي العظيم

وصلي الله علي سيدنا محمد وعلي آله وصحبه وسلم.

بسم الله الرحمن الرحیم

مقدمه

حقیقت تجوید در لغت و اصطلاح چیست؟

تجوید در لغت عمل کردن به کار خوب است و در اصطلاح به علمی گفته می شود که سبب آن علم، حق هر حرف شناخته و بطرز شایسته ای ادا گردد از صفات و مدود و غیر ذلک و مانند نازکی و غلظت و مثل آنها.

فایده تجوید چیست؟

فایده تجوید رسیدن به نهایت یقین و اتقان در قرائت قرآن است آنطوری که از حضرت رسالت پناه اخذ شده است و گفته اند فایده تجوید موصون ماندن لسان از خطای قرائت کتاب خداست.

حکم شارع مقدس در علم تجوید چیست؟

اختلافی نیست در اینکه دانستن علم تجوید فرض کفائی است (اگر یک نفر بداند بر دیگری فرض نیست) اما عمل کردن به آن برای کلیه مردان و زنان مسلمان و مکلفین واجب است.

تنوین و نون ساکنه

کز حکم آن زینت بود

احکام استعاذه و بَسمله

هرگاه قاری قرآن استعاذه را بخواند و بسم الله را بگوید و شروع به قرائت سوره کند چند صورت دارد؟

در آن چهار صورت است. [۱] قطع استعاذه و وقف بسمله، [۲] وصل بسمله به اول سوره [۳] وصل استعاذه به بسمله، [۴] وصل استعاذه و بسمله و اول سوره.

هرگاه قاری بسمله را بین سوره ها بخواند چند صورت دارد؟

در آن چهار صورت است، در سه مورد جایز است و در یک مورد مجاز نیست، سه راه درست عبارتند از : اول، حکم این است که همه را قطع کند دوم، اول سوره را به بسمله وصل کند، سوم، همه را وصل کند و اما وجه غیر جایز آن است که آخر سوره را بر بسلمه وصل و در بسلمه وقف نماید بعبارت ساده قاری در وصل آخر سوره به بسم الله و توقف رخصت ندارد زیرا در این صورت توهم می رود که بسم الله آخر سوره بوده است.

احکام نون ساکن و تنوین

تنوین و نون ساکنه

حکمش بدان ای هوشیار

کز حکم آن زینت بود

اندر کلام کردگار

نون ساکن و تنوین چند حالت دارد؟

برای آنها چهار حالت است.

۱- اظهار ۲ - ادغام ۳- اقلاب ۴- اخفاء

توجه:در یرملون ادغام کن در حرف حلق اظهار کن –در حرف(ب) قلب به میم در مابقی اخفاء بیار

تعریف اظهار در لغت و اصطلاح چیست؟

اظهار در لغت آشکار کردن است و در اصطلاح خارج کردن هر حرف از مخرج خودش بدون غنه می باشد.

غنه آوازی است که در بینی بود

کن پسند این نه خود بینی بود

حرف اظهار چند تا و کدامند؟

حرف اظهار شش تاست و عبارتندازهمزه. ها. ع. غ. خ. ح.

حرف حلقی شش بود ای نور عین

ها و همزه ، حا وخا وغین و عین

و در مصرع زیر در اول کلمات شش حرف اظهار جمع شده است.

(اخی هاك علما حازه غیر خاسر)

برای آنها مثال بزنید؟

مثال نون پیش همزه (من آمن) مثال تنوین پیش همزه (رسول امین).

امثال فوق برای زمانی است که حرف اظهار و نون یا تنوین در دو کلمه قرار بگیرند و اما در یک کلمه مثل (یناون). و مثال نون در پیش هاء (ان هو) و مثال تنوین در نزد ها (جرف هار). مثالهای فوق موقعی است که حرف اظهار و نون یا تنوین در دو کلمه باشند و مثال آن در یک کلمه مانند (ینهون) .

و مثال نون در پیش عین (من علم) و مثال تنوین در نزد عین (سمیع علیم) و مثال نول و تنوین در یک کلمه مثل (ینعق) .

مثال نون پیش حا (من حسنه) و مثال تنوین در نزد حا (علیم حکیم) و این مثالها در دو کلمه بودند و اما در یک کلمه مثل (ینحتون).

مثال نون در پیش غین (من غل) و مثال تنوین در نزد غین (عزیز غفور) و آنها در دو کلمه بودند در یک کلمه مثل (فسینغضون).

مثال نون در پیش خا (من خیر) و مثال تنوین در نزد آن (قوم خصمون) و آنها در دو کلمه بودند و مثال در یک کلمه مثل (المنخنقه).

و قس علی ذلک

ادغام در لغت و اصطلاح چه تعریفی دارد؟

ادغام در لغت عبارتست از فرا گرفتن چیزی، چیز دیگر را و بعبارت ساده حرفی را در حرف دیگر در آوردن ولی در اصطلاح رسیدن حرف ساکن به حرف متحرک است بطوری که یک حرف مشدد شده و زبان در موقع تلفظ آن یک مرتبه بلند شود.

حروف ادغام چند تا و کدامند؟

حرئف ادغام شش تاست و در کلمه یرملون جمع شده اند.

حروف ادغام چند قسم است؟

حروف ادغام یا کامل هستند یا ناقص.

حروف کامل: حروفی هستند که وقتی به تنوین و نون ساکنه می رسند بدون غنه ادا می شوند و عبارتند از : ل . ر .

حروف ناقص: حروفی هستند که وقتی به تنوین و نون ساکنه برسند با غنه ادا می شوند و عبارتند از: ی . و . م . ن .

مثال آنها به ترتیب چیست؟

مثال بدون غنه و آن ادغام نون ساکن یا تنوین در حرف ل و راء است و مثال نون در پیش لام (یبین لنا) و مثال تنوین در نزد لام (هی للمتقین) مثال نون در راء (من ربهم) و در تنوین (غفور رحیم) و قس علی ذلک. مثال برای با غنه: و مثال نون ساکن در نزد یاء مثل (ان یقولوا (که ادغام شده نون ساکن در یاء . و مثال تنوین در پیش یاء (لقوم یومنون) که تنوین در یاء ادغام شده است.

ولی شرط است که حرف ادغام شده و حرف مدغم در دو کلمه قرار گرفته باشند همانطوری که در مثال های فوق دیده شد و الا اگر تنوین و نون ساکن در یک کلمه باشند در آن صورت اظهار می شوند مقل (دنیا، قنوان، صنوان و بنیان) و بدین جهت در یک کلمه ادغام نمی شود تا با کلمه ای که که مضاعف است اشتباه نشود.

مثال نون در میم (من ملجاء) و مثال تنوین در میم (هدی من ربهم)

مثال نون در واو (من ورائهم) و

مثال تنوین در واو (هدی و رحمه)

مثال نون در نون (آن نقول) و مثال تنوین در نون (حطةٌ نغفر).

تعریف اقلاب در لغت و اصطلاح چیست؟ (قلب کردن)

قلب در لغت بمعنی بر گردانیدن چیزی از حالی به حال دیگر و از روئی به روی دیگر است و اما در اصطلاح قرار دادن حرفی در جای حرف دیگر با رعایت غنه است.

حروف اقلاب چند تا و کدامند؟

حرف اقلاب یکی است و آن عبارت از باء است.

مثالهای آن چیست؟

مثال باء در نون در دو کلمه (من بعد) و در یک کلمه (ینبت لکم) و مثال باء در تنوین (سمیع بصیر – الیم بما کانو).

تعریف اخفاء در لغت و اصطلاح چیست؟

اخفاء در لغت بمعنی پوشیدن است و اما در اصطلاح عبارتست از نطق کردن بحرف ساکن که خالی از تشدید باشد مثل (ای خال) و تلفظ آن بین اظهار و ادغام و در حرف اول با غنه و نون ساکن و تنوین باشد.

حروف اخفاء چند تاست؟

حروف اخفاء پانزده تاست و عبارتند از: ص . ذ . ث . ک . ج . ش . ق . س . د. ط. ز. ف. ت. ض. ظ.

و در اول کلمات بیست زیر جمع شده اند:

صف ذاثنا کم جا دشخص قد سخا

دم طیباً زد فی تقی ضع ظالماً

" ترجمه: تعریف کن کسی را که صاحب تعریف است – زیاد سخاوت کرد کسی که بلند مرتبه است. دوام کن بر نیکی و خوبی و زیاد کن در تقوی و پرهیزکاری و ظالم را پائین آورده و پست کن.

مثال آنها کدامند؟

مثال نون در نزد صادر در دو کلمه (عن صلاتهم) و در یک کلمه (انصرنا) و در تنوین (قوما" صالحین) و باقی حروف مذکوره را با این مثال مقیاس کنید.

احکام میم ساکن

میم ساکن چند حالت دارد؟

برای میم ساکن سه حالت است. ۱- ادغام ۲- اخفاء ۳- اظهار.
هرگاه میم متحرک بوجود بیاید در میم مثل خودش با غنه ادغام میشود و آنرا ادغام متماثلین می گویند. مثال (لهم مثلا" و لکم ما فی الارض و لکم ما کسبتم) و در وقت رسیدن بحرف باء با غنه مخفی می شود و آنرا اخفای لبی (شفوی) می گویند مثل (ترمیهم بحجارۀ و هم بالاخرۀ) و مانند انها.

میم در پیش باقی حروف ظاهر میشود و در نزد واو وفاء اظهارش شدید و بیشتر است و آنرا اظهار لبی (شفوی) می گویند مثل (و هم فیها، علیم ولا الضالین).

احکام میم و نون مشدد

حکم میم و نون ساکن مشدد چیست؟

حکم آن این است که میم با غنه و نون در حالت مشدد اظهار شوند مانند(مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ)[1] و مانند (ثم و لما) پس غنه در حالتی که میم و نون ساکن و مشدد هستند برای آنها لازم است.

---

[1] سورة: الناس - الأية: ۶

احکام ال تعریف

ال تعریف وقتی که قبل از حروف هجائی واقع شود چند حالت دارد؟

دو حالت دارد۱- قمری۲- شمسی

ل قمری چیست؟

ل قمری لامی است که قبل از یکی از این حروف واقع شود و آنها عبارتند از همزه . ب . غ . ح . ج . ك . و . خ . ف . ع . ق . ی . م . ه . و آن حروف در جمله ی زیر جمع شده اند.

(ابغ حجك و خف عقیمه) ترجمه: حجت را قصد کن و از بی ثمر ماندن آن بترس مثال (النعام . البر . الغمام . الحمیم . الجنه . الكوثر . الولدان . الخیر. الفتنه . العافین . القمر . الیوم . المال . الهدی) و تمام کلماتی که شبیه اینها هستند ل قمری نامیده می شود برای اینکه آن ظاهر می شودمثل . ل . . القمر:

ل شمسی چیست؟

ل شمسی لامی است که قبل از چهارده حرف واقع می شود و آن حروف عبارتند از ط. ث. ص. ذ. ن. د. س. ظ. ش. ل. و کلیه حروف شمسی در اول کلمات بیت زیر جمع شده اند.

(طب ثم صل رحما تفرضف ذانعم . دع سوء ظن زرشریفا" للکرم

ترجمه ۱- خوش باشد سپس صله ارحام بجای آر تا رستگار شوی. مهمان شو برای کسی که نعمت دارد.

۲- سوء ظن را ترک کن، انسان با کرامت و سخی را بسبب احترامش زیارت کن.

مثال (الطامه و الصاخه) و امثال آنها

علامت لام قمری و شمسی چیست؟

علامت لام قمری سکون (جزم) است و علامت لام شمسی تشدید است.

احکام لام در فعل

حکم لام واقع شده در میانه فعل چیست؟

واجب است بطور مطلق اظهار شود چه فعل ماضی و چه فعل امر باشد و در فعل ماضی هم در وسط و هم در آخر به آن ملحق می شود اما در فعل امر منحصرا" در آخر واقع می شود مثال فعل ماضی (جعلنا و قلنـا و ضـللنا و التقی) مثال در فعل امر (قل نعم).

احکام ادغام

ادغام چیست؟

ادغام عبارتست از قاطی شدن دو حرف و داخل شدن یکی در دیگری.

ناگفته نماند شرط ادغام ساکن بودن حرف اول و متحرک بودن حرف ثانی است.

ادغام چند نوع است؟

ادغام به سه نوع تقسیم می شود ۱- متماثلین ۲- متقاربین ۳- متجانسین

ادغام متماثلین چیست؟

ادغام متماثلین آن است که دو حرف در صفت و مخرج با همدیگر متفق باشند.

حکم ادغام متماثلین چیست؟

حکم آن ادغام با وجوب است مثل (اضرب بعصاک و بل لایخافون و قد دخلوا و اذهب) و مانند آن.

ادغام متقاربین چیست؟

ادغام متقاربین آن است که دو حرف از جهت مخرج و صفت نزدیک هم باشند.

مثال آن چیست؟

مثال آن رسیدن مثال به ذال است مثل (یلهث ذلک) و باء در نزد میم مثل (یا بنی ارکب معنا) و قاف در پیش کاف مثل (الم نخلقکم)

توجه: ادغام بشرط ساکن بودن حرف اول و متحرک بودن حرف ثانی است.

ادغام متجانسین چیست؟

ادغام متجانسین آن است که مخرج دو حرف یکی و صفت آنها جدا باشد.

مثال آن چیست؟

مثال ط در رسیدن با تاء مثل (لئن بسطت) و تاء در نزد ط مثل (و قالت طائفه) و تاء در پیش دال مثل (اثقلت دعوا الله) و لام در زمان رسیدن به راء مثل (قل رب) و ذال در نزد ظاء مثل (اذ ظلموا).

توجه: ادغام متجانسین در طا و تا – تا و طا – تا و دال – لام و راء و بالعکس اجرا می شود.

احکام مد

تعریف مد در لغت و اصطلاح چیست؟

مد در لغت بمعنی کشیدن و نیز بمعنی زیاده هم آمده است ولی در اصطلاح در نزد قاری قرآن عبارت از طول دادن صدا بحرفی از حروف مد است که ذکر آنها خواهد آمد.

مد چند قسم است؟

مد به دو نوع تقسیم می شود ۱- مد اصلی ۲- مد فرعی

مد اصلی چیست؟

آن مد طبیعی است که ذات حرف مد بر پا نمی شود مگر بوجود آن مد

حروف مد کدامند؟

حروف مد سه تاست: ۱- واو ساکن ما قبل مضموم ۲- یاء ساکن ما قبل مکسور ۳- الف ساکن ما قبل مفتوح

چرا اینها را مد طبیعی می گویند؟

برای آنکه صاحب طبیعت سلیم آنها را ناقص نمی کند و چیزی بیش از حد بر آن نمی افزاید.

اندازه مد طبیعی چیست؟

مقدار و اندازه ی آن یک " الف " و آن دو حرکت بحرکات انگشت در حالت ایستادن و در حالت وقف است و کم گفتن مد طبیعی از یک " الف " شرعا" حرام است و مثال الف مانند (قال) و مثال واو مانند (یقول) و مثال یاء مانند (قیل).

مد فرعی چیست و چند قسم دارد؟

مد فرعی بسبب همزه و یا سکون زاید بر مد اصلی است و سیزده نوع دارد ۱- مد واجب متصل ۲- مد جایز منفصل ۳- مد عارضی برای سکون ۴- مد بدل ۵- مد عوض ۶- مد لازم سنگین کلمه ای ۷- مد لازم سبک کلمه ای ۸- مد لازم سنگین حرفی ۹- مد لازم سبک حرفی ۱۰- مد نرم ۱۱- مد صله ۱۲- مد فرق ۱۳- مد تمکین

بیان اینها را از روی تفصیل و شرح به ترتیب ذکر می کنیم.

مد واجب متصل چیست و اندازه آن چقدر است؟

مد واجب متصل آنست که مد و همزه در یک کلمه باشند و اندازه مد آن پنج حرکت است مثل (جاء . سوء .شاء. سیء) و مانند اینها.

مد جایز منفصل چیست و اندازه آن چقدر است؟

مد جایز منفصل آن است که حرف مد در یک کلمه ولی همزه در کلمه دیگر باشد و اندازه مدش در حالت پائین آمدن دو حرکت و در حال تدویر (دور) چهار حرکت و در حالت ترتیل و تجوید (حسن کلام) پنج حرکت است مانند (یا اسهاالناس، و قواانفسکم).

مد عارض بر سکون و کیفیت مد آن چیست؟

مد عارض بر سکون عبارتست از وقف بر آخر کلمه پیش از حرف موقوف علیه بشرط اینکه یکی از حروف مد طبیعی موجود باشد که حروف مزبور عبارتند از الف –واو – یاء مانند (کالعقاب و خالدون و خبیر).

توجه: مد به جهت سکون عارض شده است تا سکون خوب تلفظ شود.

در مد عارض بر سکون سه طریق است: ۱- الطول (طول دادن) که آن شش حرکت است ۲- التوسط (میانه) و آن چهار حرکت است ۳- القصر (کوتاه گفتن) و آن دو حرکت است ولی بهتر از همه طول دادن به اندازه شش حرکت است و آن مد تمام است.

چرا به این مد عارض بر سکون می گویند؟

برای اینکه مد در حالت وقف بر سکون عارض می شود و اگر وقف نمی کردیم در این صورت مد فرعی نبود بلکه مد طبیعی بود.

مد بدل چیست؟

مد بدل آنست که مد با همزه در یک کلمه جمع بشود ولی همزه بر مد مقدم باشد مثل (آدم و ایمان) چون اصل آدم (ا ادم) و اصل ایمان (اامان) بوده است.

مد عوض و کیفیت آن چیست؟

آن وقف بر تنوین نصب در آخر کلمه است و اندازه مدش دو حرکت است (علیما حکیما)

مد لازم سنگین کلمه ای چیست؟

مد لازم سنگین کلمه ای آنست که بعد از حرف مد حرف مشدد در یک کلمه واقع شود مثل (والضالین و الصاخه و الطامه)

اندازه مد لازم سنگین کلمه ای چقدر است؟

مقدار مد لازم سنگین کلمه ای سه الف است که با شش حرکت انگشت تخمین می شود.

مد لازم سبک کلمه ای چیست؟

مد لازم سبک کلمه ای آنست که بعد از حرف مد حرف ساکن باشد مثل (آلان) و مثال دیگر مد لازم خفیف کلمه ای در سوره یونس در قرآن مجید در دو جا موجود است.

اندازه مد خفیف کلمه ای چقدر است؟

مقدار آن سه الف و شش حرکت است.

مد لازم حرفی اشباع شده چیست؟

مد لازم حرفی اشباع شده آنست که در فواتح السور حرفی پیدا شود که هجایش سه حرفی باشد و حرف وسط حرف مد باشد و حرف ثابت ساکن و اگر حرفی که پس از حرف مد است ادغام شود آن مد سنگین است مانند (الم) و اگر ادغام شدنی نبود در این صورت مد سبک است مثل (ص و القرآن، ن و القلم، ق و القرآن) و مانند اینها.

مد لازم حرفی چند است؟

مد لازم حرفی هشت حرف است و عبارتست از ن. ق. ص. ع. س. ل. ک. مد لازم و در قول بین الهلالین (نقص عسلکم) جمع شده اند چهار حرف است که وسطش الف است (ص و القرآن و کاف و صاد در فاتحه مریم وق و القرآن و قرآن در فاتحه الشوری و لام در الم) و برای یا دو حرف است (الیم در آلم و السین در یس و طس) ولی برای واو یک حرف وجود دارد و آن (النون در ن و القلم) است.

این هفت حرف مد تمام و کامل و اشباع شده می باشد و قاریان قرآن در آنها اختلافی ندارند. اما العین در سوره مریم و سوره شوری دو حالت دارد.

جماعتی گفته اند مد آن به اندازه سه الف و شش حرکت است.

و عده ای گفته اند به اندازه دو الف و چهار حرکت است ولی مد مشهور مقبول باندازه سه الف پذیرفته شده است و لذا مد لازم حرفی سه الف با شش حرکت است.

مد لازم حفیف چیست؟

مد لازم سبک حرفی آنست که دو حرفی باشد.

حروف مد لازم خفیف حرفی کدامند؟

حروف مد لازم سبک حرفی پنج حرف است و عبارتند از: ح . ی . ط . هـ . ر . و حروف مزبور در جمله زیر جمع هستند (حی طهر)

مثال حا (حم) و مثال یاء (یس) و مثال طاء با مثال ها (طه) و مثال راء (الر) و مد آن باندازه دو حرکت است.

حروف مد نرم (لین) کدامند؟

حروف مد نرم دو تا هستند و عبارتند از: ۱ – واو ۲ – یاء

توجه: شرط است که حروف مد نرم ساکن و ماقبل آنان مفتوح باشد. مثل (بیت و خوف) و مانند اینها.

مد صله چیست و کیفیت حرکات آن چگونه اند؟

مد صله چند نوع است؟

مد صله بدو قسمت تقسیم می شود که عبارتند از: ۱ – کوتاه ۲- دراز

در چه محلی مد صله کوتاه است؟

هرگاه ماقبل هاء ضمیر متحرک باشد مثل (انه کان و له ما فی السموات) و اگر ما قبل آن ساکن باشد برای آن مد نیست مگر استثنائاً در سوره فرقان در قوله تعالی (فیه مهانا) برای اینکه میم مهانا را خوب تلفظ کنیم بطریقه حفص (یکی از قرأ سبعه) آخر فیه را طول داده و می کشیم بشرط اینکه ما بعدها ضمیر به آن متصل نباشد در آن صورت مد ندارد مثل (انه الحق و له الدین) که متصل است و مد ندارد و باتفاق تمام قرأ به آن مد داده نمی شود.

- توجه: قاعده چنین است که اگر ما بعد هاء ضمیر مکسور یا مضموم باشد ها ضمیر کمی طول داده می شود اما در کلمه (القه) و (ارجه) این

قاعده جاری نیست برای اینکه به نقل از رسول خدا (ص) چنین خوانده شده و بر آن نمی توان قاعده جاری کرد پس ها ضمیر ساکن خوانده می شود.

در چه محلی مد صله دراز می شود؟ و مد چقدر است؟

هرگاه بعد از هاء، همزه قطع باشد و جایز است که بانـدازه دو الـف و نیم که پنج حرکت است مد داده شود و نیز درست اسـت کـه بانـدازه پـنج حرکت مد داد و نیز صحیح است که بانـدازه مـد منفـصل مـد داده شـود در حالیکه قاری در حالت حدر (پائین آمدن) باشد مثـل (عنـده الا باذنـه و مـن عامه الا بما شاء) و مثل (انه اضحکک) و مانند آن.

چرا به آن مد صله می گویند و بعنوان مد زاید اسم نمیبرند؟

از روی ادب به آن مد صله می گویند چون در قرآن کم و زیاد نیست و اگر مد زاید گفته می شد بی ادبی بود.

مد فرق چیست؟

مد فرق شاذ الوقوع است و بندرت در قرآن واقع می شود و در چهار مورد قرار گرفته است در دو محل سوره انعـام مثـال (قـل الـذکرین حـرم ام الانثیین) و در سوره یونس (قل الله اذن لکم) و در سوره النمل (الله خیر ام ما یشرکون)

چرا به این مد فرق گفته می شود؟

بخاطر آن مد فرق می گویند که بین سؤال و خبـر فـرق مـی انـدازد و اگر فرق نبود توهم می رفت که آن سؤال نیست بلکه خبر است. پس همـزه در آن برای استفهام است.

مد تمکین چیست؟

مد تمکین دو یاء است که یکی ساکن و ماقبل مکسور مشدد باشد مثال (حییتم و النبیین) و شبیه آنها هر چه باشد.

چرا آنرا مد تمکین گفته اند؟

برای اینکه آن تشدید او را نیروی مد بخشیده و بطرف خودش تسلیم کرده است و بهمین منظور آنرا مد تمکین گفته اند.

احکام راء

راء چند حالت دارد؟

برای راء سه حالت وجود دارد: ۱- التفخیم (غلیظ گفتن) ۲- الترقیق (نازک گفتن) ۳- جواز الوجهین (درست بودن هر دو صورت چه تفخیم و چه ترقیق).

راء مفخم کدام است؟

راء مفخم آن است که مفتوح یا مضموم باشد مثال (ربنا آتنا و هذا الذی رزقنا من قبل) و نیز موقعیکه راء ساکن و حرف قبل از آن مضموم و یا مفتوح باشد و هم چنین وقتیکه راء ساکن و حرف ماقبل آن مکسور و کسره اصلی نبوده بلکه عارضی باشد راء با تفخیم خوانده می شود مثل (ارجعوا الی ابیکم) با وصف اینکه راء ساکن و ماقبل آن مکسور است باز هم با تفخیم خوانده می شود چون کسره عارضی است و اگر کسره عارضی نباشد با ترقیق خوانده می شود. ولی اگر راء ساکن و ما قبل آن مکسور و کسره هم اصلی بوده و بعد از راء حرفی از حروف استفهام موجود نباشد باز

هم راء با تفخیم خوانده می شود مثل (قرطاس مرصاد فرصاد فرقه) و کلماتی نظیر اینها.

راء مرقق کدام است؟

راء مرقق رائی است مکسور خواه اول و یا وسط و یا آخر کلمه باشد و در اسم و فعل تفاوتی ندارد مانند (رزقا قالوا و رجال یحبون و فی الرقاب و الغارمین و الفجر و لیال عشر و ارنا مناسکنا و انذر النالس . اذکر اسم ربک) و یا اینکه حرفی که قبل از راء قرار گرفته از حروف نرم (لین) باشد مثل (قدیر و خبیر).

توجه: یاء که قبل از راء قرار گرفته است از حروف نرم است و بدان جهت راء نازک خوانده می شود.

و همچنین وقتی که راء ساکن و قبل از آن کسره اصلی و بعد از آن حرف استعلاء نباشد راء رقیق قرائت می شود مثل (انذرهم و فرعون و مریه).

راء جوازالوجهین (رائی که جایز است با ترقیق و تفخیم خوانده شود) چیست؟

راء جواز الوجهین رائی است که ساکن بوده و قبل از آن کسره و بعد از آن حرف استعلاء مکسور باشد مثل (فرقه).

حروف استعلاء کدامند؟

حروف استعلاء عبارت از هفت حرف بشرح زیر هستند: خ . ص . ض . غ . ط . ق . ظ . در جمله زیر (خص ضغط قظ) جمع شده اند.

توجه: حروف فوق را بدان جهت استعلاء می گویند که از بالا می آیند و زبان را بطرف بالا می کشند.

حروف قلقله

حروف قلقله (حرکت) چند تاست؟

حروف قلقله پنج تاست و عبارتند از ق . ط . ب . ج . د . و در قول بین –الهلالین (قطب جد) جمع هستند.

حروف قلقله به چند نوع تقسیم می شوند؟

حروف قلقله بدو نوع تقسیم می شوند: ۱- صغری ۲- کبری.

اگر حرف قلقله ساکن بوده و سکونش اصلی باشد صغری است مثل (یقطعون یطمعون . یجعلون . یدعون . لتبلون).

و اگر حرف قلقله ساکن و سکونش در حالت وقف عارضی باشد کبری است مثل (اخلاق . صراط . عذاب . بهیج . شدید).

توجه: زبان در حالت وقف قلقله می کند و در حالت مرور و وصل بحرکت در نمی آید.

مخرج حروف

مخرج حروف کدامند؟

بنابر قول اختیار شده حروف هفده مخرج دارند.

محل این هفده مخرج کجا هستند؟

این هفده مخرج پنج محل دارند: ۱- فضای دهن ۲- گلو ۳- زبان ۴- لب ها ۵- بالای بینی

دستور و قاعده شناخت مخرج حروف چیست؟

قاعده شناخت مخرج حروف آنست که حرف را ساکن یا مشدد کنیم بعد بر آن همزه وصل بیاوریم و در موقع تلفظ گوش فرا دهیم که صوت در کجای دهن قطع می شود و همانجا مخرج حرف است (یعنی در جائی که صوت در دهن تمام می شود آنجا مخرج حرف است).

مخرج اول کجاست و چند حرف از آن خارج می شود؟

مخرج اول فضای دهن است و از آن سه حرف خارج می شود که عبارتند از: ۱- الف ساکن ۲- واو ساکن ۳- یاء ساکن

مخرج دوم کجاست و چند حرف از آن خارج می شود؟

مخرج دوم پائین گلوست (یعنی ابعده) و از آن دو حرف خارج می شود که عبارتند از: ۱- همزه ۲- هاء

مخرج سوم کجاست و از آن چند حرف خارج می شود؟

مخرج سوم وسط دهن است و از آن دو حرف خارج می شود که عبارتست از ۱- (ع) ۲- حا (که هر دو حرف مهمل هستند).

مخرج چهارم کجاست و از آن چند حرف خارج می شود؟

مخرج چهارم نزدیکترین مخرج حلق به سوی دهن است (اقربه) و از آن دو حرف خارج می شود که عبارتند از: ۱- غ ۲- خ (که هر دو معجم هستند).

مخرج پنجم کجاست و از آن چند حرف خارج می شود؟

مخرج پنجم پائین زبان است که بتدریج به طرف حلق کشیده می شود که برابر حنک بالاست و از آن فقط حرف "ق" خارج می شود.

مخرج ششم کجاست و از آن چند حرف خارج می شود؟

مخرج ششم پائین زبان است کمی زیر مخرج قاف بطرف حنک اعلی و از آن تنها "ک" خارج می شود.

مخرج هفتم کدام است و از آن چند حرف خارج می شود؟

مخرج هفتم وسط زبان است و بطرف حنک اعلی کشیده می شود و از آن سه حرف خارج می شود.

که عبارتند از: ۱- ج ۲- ش ۳- ی

مخرج هشتم کجاست و از آن چند حرف خارج می شود؟

مخرج هشتم از طرف چپ زبان بطرف دندانهای آسیاب کشیده می شود و بعضی ها گفته اند که از طرف راست زبان بطرف دندانهای آسیاب پیش می رود و از آن تنها حرف " ض " خارج می شود.

مخرج نهم کجاست و از آن چند حرف خارج می شود؟

مخرج نهم از نوک زبان تا انتهای آن است و صدا بهر دو طرف زبان پخش می شود مانند صدائی که از طرف حنک اعلی می آید و از آن فقط " ل " خارج می شود.

مخرج دهم کدام است و چند حرف از آن خارج می شود؟

مخرج دهم زبان است با کمی تفاوت از مخرج " ل " پائین تر است و از آن فقط " ن " خارج می شود.

مخرج یازدهم کدام است و از آن چند حرف خارج می شود؟

مخرج یازدهم از مخرج " ن " بطرف پشت زبان نزدیک است و از آن فقط حرف " راء " خارج می شود.

مخرج دوازدهم کدام است و از آن چند حرف خارج می شود؟

مخرج دوازدهم از طرف زبان بسوی حنک اعلی با اصول دندانهای پیشین که در بالا قرار گرفته اند کشیده می شود و از آن سه حرف خارج می شود که عبارتند از: ۱- ط ۲ د ۳- ت

مخرج سیزدهم کدام است و از آن چند حرف خارج می شود؟

مخرج سیزدهم بین نوک زبان و دندانهای بالای و پائین پیشین است و از آن سه حرف خارج می شود که به حروف صغیر مشهورند و عبارتند از:

۱- ص ۲- زاء ۳- س

من آن مدغم که هر شام و سحرگاه   زیام عرش می آید صفیرم

مخرج چهاردهم کجاست و از آن چند حرف خارج می شود؟

مخرج چهاردهم از نوک زبان و اطراف دندانهای پیشین بالاست و از آن سه حرف خارج می شود که عبارتند از ۱- ظ ۲- ث ۳- ذ

مخرج پانزدهم کجاست و از آن چند حرف خارج می شود؟

مخرج پانزدهم از باطن لب پائین با اطراف دندانهای پیشین بالاست از آن فقط حرف " ف " خارج می شود.

مخرج شانزدهم کجاست و از آن چند حرف خارج می شود؟

مخرج شانزدهم ما بین دو لب است و از آن سه حرف و .، ب . وم . خارج می شود.

توجه:

واو با گشادن لب ها و باء و میم با چسبیدن لبها تلفظ می شوند.

مخرج هفدهم کجاست و از آن چند حرف خارج می شود؟

مخرج هفدهم بالای بینی است و از آن حرف با غنه خارج می شود که عبارتند از نون ساکن و تنوین در حال ادغام با غنه و اخفاشان و میم و نون مشدده است.

صفات حروف

صفت در لغت و در اصطلاح چیست؟

صفت در لغت به چیزی می گویند که قائم به چیزی از قبیل معانی و علم و سواد باشد و وجود مستقلی نداشته بلکه تابعیت و بستگی به موصوف داشته باشد.

و در اصطلاح حالتی است که بر حرف در موقع حصول در مخرج عارض می شود از قبیل: آشکار و نرمی و پنهان کردن و شدت و غیر اینها.

صفات حروف چند تاست؟

بنابر قول پسندیده و اختیار شده صفات حروف هفده تاست.

صفات به چند نوع تقسیم می شود؟

صفات به دو نوع تقسیم می شود. نوع اول که ضد دارند و هم چنین ضد آنها که پنج تاست و نوع دوم که ضد ندارند و آن هفت تاست.

صفاتی که ضد دارند کدامند؟

صفاتی که ضد دارند مثل الجهر (آشکار) و ضد آن الهمس (پنهان) و الشده و ضد آن الرخاوه (نرمی) و الاستعلاء (طلب بالا رفتن) و ضد آن

الاستفال (طلب پائین آمدنم) و والاطباق (لب بر هم نهادن) و ضد آن الانفتاح (لب باز کردن) و الاذلاق (تیزی صدا) و ضد آن الاصحات (نشنیدن صدا).

صفاتی که ضد ندارند کدامند؟

صفاتی که ضد ندارند مانند الصفیر و القلقله و اللین و الانحراف و التکریر و التفشی و الاستطاله (معنی صفات ۱- صدای بال پرنده ۲- حرکت زبان ۳- نرمی ۴- کج شدن ۵- تکرار ۶- آشکار شدن و از دو لب بیرون آمدن ۷- طول دادن) پس در صفات متضاد هر حرف پنج صفت دریافت می کند.

و اما در صفات غیر متضاد گاهی دو صفت می پذیرد و گاهی اصلاً صفتی دریافت نمی کند و زمانی یک صفت اخذ می کند.

بنابراین در یک حرف هفت صفات غیر متضاد و پنج صفت متضاد جمع می شود.

احکام وقف

وقف هائی که قاری قرآن عظیم در آن توقف می کند چند نوع است؟

وقف هائی که قاری در آن رخصت به توقف دارد چهار نوع است و عبارتنداز:۱- وقف کامل۲- وقف کافی۳- وقف پسندیده۴- وقف نکوهیده

وقف کامل و یا وقف تام چیست؟

وقف تام یا کامل آن است که بر کلمه ای که ماقبل و مابعد آن در معنی و تلفظ بدان تعلق نداشته باشد توقف کامل گردد مانند "المفلحون" درسوره البقره

وقف کافی چیست؟

وقف کافی وقف بر کلمه ای است که مابعد و ماقبل آن در لفظ بدان تعلق نداشته بلکه تنها در معنی بدان کلمه وابسته باشند مانند توقف بر لایومنون چون آن با مابعدش که عبارت از ختم الله است به بالکافرین متعلق هستند."سوره بقره"

وقف پسندیده یا وقف حسن چیست؟

آن وقف بر کلمه ایست که مابعد و ماقبل آن در لفظ شرط تمام شدن کلام بدان تعلق داشته باشد مانند وقف بر الحمدلله درسوره فاتحه چون رب برای آن صفت است و به کلمه بعدی که در لفظ وقف بر آن جاری شده متعلق است مانند وقف بر علیهم در سوره فاتحه. چون غیر برای للذین صفت یا برای آن بدل است.

وقف قبیح یا نکوهیده چیست؟

وقف نکوهیده وقف بر لفظ غیر مفید است و در حالیکه مابعد و ماقبل کلام در لفظ و معنی بر آن تعلق دارد کلام تمام نمی شود مثل وقف بر بسم از بسم الله و یا وقف بر الحمد از الحمدالله ویا وقف بر مالک ویایوم از مالک یوم الدین زیرا فهمیده نمی شود که بسوی چه چیزی اضافه شده است.

وقف نکوهیده بدانجهت قبیح توصیف شده که احتمال می رود بر کلامی وقف بشود که توهم وصف نالایقی را نسبت به خداوند تبارک و تعالی بوجود بیاورد.

در چند مورد سکته و توقف کوتاه در قرائت قرآن جایز است؟

در چهار مورد در قرائت قرآن توقف کوتاه و سکته بدون تنفس جایز است:

۱- در سوره الکهف و لم یجعل له عوجا"سکته لطیف بدون تنفس می شود و بعد قاری می خواند فیها"

۲- در سوره یس" قوله تعالی " من بعثنا من مرقدنا که قاری توقف لطیفه و سکته بدون تنفس در مرقدنا می کند و سپس ادامه می دهد هذا

۳- در سوره القیامه " قوله تعالی " و قیل من سپس سکته لطیف بدون تنفس می نماید و می گوید راق.

۴- در سوره المطففین " قوله تعالی " کلا بل سکته لطیف می کند و سپس ادامه می دهد ران

علائم وقف

م- علامت وقف لازم است. از ترک کردن آن در معنی خلل واقع می شود لذا وقف بسیار ضروری است.

ط – علامت وقف مطلق است. از اینجا نباید رد شد بلکه نیکو همین است که در اینجا توقف شود و بعد شروع گردد.

ج – علامت وقف جایز است. در اینجا وقف و وصل هر دو جایز است. اما ایستادن بهتر و توقف نکردن هم شایسته است.

ز – علامت وقف مجوز است در اینجا هم موجب وقف و هم موجب وصل است ولی علت وصل غالب است بنابراین گذشتن پسندیده است.

ص – علامت وقف ترخیص است. هر دو وجه وقف و وصل جایز است ولی با توجه بمعنی اصولاً باید وصل خوانده شود و اگر قاری در قرائت بماند برایش وقف رخصت دارد و یا در وقف رخصت دارد.

ق – علامت قلیل علیه الوقف است بعضی از استادان وقف را جایز می دانند و برخی دیگر به ضعف وقف اشاره می کنند و می گویند وقف نکردن پسندیده است.

لا – نشانه نفی و عدم جواز وقف است.

محرمات قرائت

قارئین قرآن کریم در قرائت در زمان ما بدعت هائی گذاشته اند و چیزیهائی به حد قرائت اضافه و یا کم می کنند که مجوز ندارند و حلال نیست و بیشتر برای جلب توجه مردم به نغمات آنها انجام می دهند در حالیکه قرائت از قاعده و وضع خود خارج شده و کلام خدا با اغانی و آواز اشتباه می گردد و علمای سلف همیشه از این عمل نهی می کردند.

بدعت هائی که جواز شرعی ندارند عبارتند از:

۱- تطریب – عبارت از این است که قاری قرآن در قرائت ترنم می کند و در غیر محل مد اضافه بر حد طبیعی کشش می دهد بطوریکه کلام عرب اجازه آن را نمی دهد و قاری در زیاده روی مد در قرائت جواز ندارد.

۲- ترقیص: عبارت از رقصانیدن صدا در قرائت و آوردن حروف مد زیاد و زیاده روی در مد که گمان رود صوت برای رقص است.

۳- تحزین: عبارت از این است که قاری طبع و عادت خودش را ترک نماید و با صوت حالت حزن انگیز پیش بیاورد که گمان رود محزون

است و از خضوع و خشوع گریه می نماید و این امر بعلت وجود ریاء در قرائت منع و نهی شده است.

۴- ترعید: عبارتست از اینکه قاری صدای خود را در قرائت میلرزاند مانند اینکه از شدت سرما و یا سختی دردی که مبتلا شده می لرزد.

۵- تحریف: تحریف را کسانی بدعت گذشته اند که بطور دسته جمعی با یک صوت قرآن می خوانند و یکی کلمه ای و دیگری کلمه دیگری را می گوید به کلام خدا توجه ندارند ولی مواظب یکسان شدن صدا هستند و متوجه نیستند که چه گناه بزرگی از این عمل پیدا می شود زیرا گذشته از اینکه این عمل باعث خلل در ثواب و فضیلت خواهد بود یک نوع بی احترامی به کلام خدای جبار است.

توجه: هر پنج مورد فوق در قرائت قرآن حرام و اشخاص دانا از قبول کردن آنها منع شده اند و واجب بر کسانی که مرتکب می شوند تذکر داده شود.

احکام تکبیر در ختم قرآن

تکبیر در ختم قرآن سنت است و سبب آن این است که نزول وحی از رسول خدا تأخیر نمود که بعضی گفته اند ۱۲ روز و بعضی اظهار داشته اند ۱۵ روز و عده ای معتقدند که وحی چهل روز به تأخیر افتاده است و مشرکین با طعنه و عداوت می گفتند که خداوند تعالی محمد را ترک کرده و با او غضبناک است و دیگر او را دوست ندارد. پس جبرئیل علیه السلام آمد و وحی را از نو شروع کرد و سوره الضحی و الیل را تا آخر بر او خواند حضرت ختمی مرتبت در حین قرائت جبرئیل از روی تصدیق آنچه انتظار داشت سه بار گفت الله اکبر. الله اکبر . الله اکبر و بیان تکبیرات رسول الله بدان سبب بود که محتوای وحی تکذیب کفار بود و حضرت انتظار آنرا داشت و وحی مصدق انتظار او بود.

صیغه ی تکبیر چیست؟

صیغه ی تکبیر لفظ" الله اکبر" است که پیش از بسم الله گفته می شود و عده ای از علماء تهلیل را قبل از تکبیر اضافه کرده اند و گفته اند لا اله الا الله و الله اکبر و بعضی از علماء تحمید را بعد از تکبیر آورده اند و گفته شده لا اله الا الله و الله اکبر و لله الحمد و بسم الله الرحمن الرحیم را گفته اند.

ابتداء و انتهاء تکبیر چگونه شروع می شود؟

تکبیر بعد از فراغت از قرائت سوره الضحی شروع می شود و در آخر سوره حروف قلقله

(قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ . مَلِكِ النَّاسِ . إِلَٰهِ النَّاسِ . مِن شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ . الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ)[1]

خاتمه پیدا می کند.

---

[1] [سورة: الناس – آیات ۱ الی ۵]

بیان احوال سلف صالحه بعد از ختم قرآن

احوال سلف در ختم قرآن بر سه حالت بوده اند.

بعضی از ایشان موقعی که قرآن را ختم کرده اند مشغول استغفار بوده اند و از دعا خود داری نموده اند و طلب آمرزش آنها با حیا و خجالت بدان سبب بوده که ترس از خدا بر آنها غالب شده و مشاهده تقصیر خود نموده اند.

دسته دوم در وقت ختم قرآن مشغول دعا شده اند.

دسته سوم جماعتی بودند که هرگاه قرآن را ختم می کردند آخر آنرا به سوره فاتحه وصل می کردند و دوباره شروع به تلاوت می نمودند بدون اینکه فصل در بین ختم و شروع تلاوت ایجاد نمایند.

دعای رسول الله
بعد از ختم قرآن شریف

اللهم انا عبیدك و ابناء عبیدك و ابناء امائك

خدایا ما بندگان تو هستیم و پسران تو هستیم و پسران کنیزکان تو هستیم.

ناصیتنا بیدك ماض فینا حکمك عدل فینا قضاوك

پیشانی ما در دست توست گذشته است بر ما حکم تو. عدل است بر ما قضاوت تو

نسالك بكل اسم هولك سميت به نفسك او انزلته في كتابك او علمته احداً من خلقك او استاثرت به في علم الغيب عندك.

سؤال و طلب می کنم از تو بحرمت هر نامی که برای توست و خود را نامگذاری کرده ای یا نازل کرده ای آنرا در کتاب خودت یا تعلیم داده ای بیکی از مخلوقات خودت یا در علم خودت آن تجعل القرآن العظیم ربیع قلوبنا و نور ابصارنا و شفاء صدورنا و جلاء احزاننا و ذهاب هومنا و عمومنا و سائتنا و قائدنا الیک و الی جناتک النعیم و دارک و دارالسلام مع الذین

انعمت علیهم من النبیین و الصدیقین و الشهداء و الصالحین برحمتك یا ارحم الراحمین.

خدایا قرآن بزرگ را بگردان بهاری بر قلب ما و نوری برای چشمهای ما و شفا برای دلهای ما که در سینه قرار دارند و سبب رفتن غمهای ما و خونهای ما و همهای ما راهبر ما باشد بسوی تو و بسوی بهشت های تو که باغهای پر نعمت است و بسوی خانه تو که خانه ایمنی است با کسانیکه نعمت نهاده ای بر آنها از پیامبران و دوستانت و شهداء و نیکوکاران برحمت خود ای از همه مهربانتر

اللهم اجعله لنا شفاء و هدي و اماماً و رحمه وارزقنا تلاوته علي النحو الذي يرضيك عنا .

خداوندا قرآن بزرگ را بگردان شفا و راهنما و پیشوا و رحمت برای ما و قسمت کن تلاوت قرآن را بطوری که ترا از ما راضی بکند.

و لا تجعل لنا ذنباً الا غفرته

باقی مگذار برای ما گناهی مگر اینکه عفو کرده باشی.

ولا هما الا فرجته

باقی مگذار برای ما همی مگر اینکه گشایش کرده باشی.

ولا دينا الا قضيته

باقی مگذار برای ما قرضی مگر اینکه ادا نموده باشی.

ولا مرضاً الا شفيته

باقی مگذار برا ی ما مریضی مگر اینکه شفا کرده باشی.

ولاعدوا الاکفیته

باقی مگذار برای ما دشمنی مگر اینکه کفایت کرده باشی.

ولا غائباً الا رددته باقی مگذار ما غایب و مفقودی مگر اینکه او را بسوی ما بر گرداننده باشی.

ولاعاصیاً الاعصمته

باقی مگذار برای ما هیچ گناهکاری را مگر اینکه اصلاح کرده باشی.

ولافاسداً الااصلحته

باقی مگذار برای ما فاسدی را مگر اینکه اصلاح کرده باشی.

ولامیتا الا رحمته

باقی مگذار برای ما مرده ای را مگر اینکه برای او رحم کرده باشی.

ولاعیباً الاسترته

باقی مگذار برای ما عیبی را مگر اینکه پوشیده باشی.

ولاعسیراً الایسرته

باقی مگذار برای ما تنگی را مگر اینکه آنرا آسان کرده باشی.

ولاحاجه من حوائج الدنیا والاخره لك فیها رضا ولنا فیها صلاح.

و باقی مگذار حاجتی از نیازهای دنیا و آخرت را مگر اینکه صلاح ما رضای تو باشد.

الا اعنتنا علي قضائها في يسر منك وعافيه يا ارحم الراحمين وصلي الله علي سيدنا محمد وعلي آله وصحبه وسلم.

مگر اینکه کمک کرده باشی در فراخی از تو برای بجا آوردن و عافیت ما ای از همه مهربانتر و درود و رحمت برسید ما حضرت محمد و بر آل و اصحابش و ایمنی از مکروهات دنیا و آخرت.

تمام